

تبارشناسی حضرت مهدی (ع) و پاسخ به دو شبهه

عزالدین رضانژاد*

چکیده

انسانهای سترگ، هرچند شهره عام و خاصند و احوال و افکارشان، در معرض دید و کنکاش سایرین قرار دارد اما محسود حاسدان و مورد بغض بیماردلان نیز هستند. بزرگ موعود بشریت هم از این قاعده مستثنا نیست اما زهی شادی و سرور که غبار ظلمت و فساد از بلور حقیقت پاک شدنی است نه ماندنی. تشکیکی که در نسب «مهدی آل محمد» شده است نویسنده را بر آن داشت که آستین همت بالا زده و به اثبات تولد، حیات فعلی، علوی، فاطمی و حسینی بودن حضرتش بپردازد و با استناد به کتب خواص اهل سنت، راه انکار را بر عارف و عامی ببندد.

رواق اندیشه ۲۱

۲۷

تبارشناسی حضرت مهدی (ع)
و پاسخ به دو شبهه

مسأله «مهدویت» قضیه‌ای شخصی و ویژه گروه یا فرقه‌ای خاص از فرقه‌های اسلامی نیست، بلکه عقیده‌ای است که عموم مسلمانان در آن اشتراک دارند و اکثر مسلمانان (اعم از شیعه و سنی) بر این باورند که حضرت مهدی علیه السلام مردی از «اهل بیت» پیامبر صلی الله علیه و آله و از «ذریه» آن حضرت است. چنان که ایمان به آن امام به عنوان «منجی بشریت» از جمله مسائل مقبول نزد سایر امت‌هاست به گونه‌ای که می‌توان گفت: حضرت مهدی علیه السلام، موعود «امت» هاست تا زمین را از عدل و داد پر کند و در هم کوبنده نظامهای فاسدی باشد که انسان و انسانیت را لگدمال کرده‌اند. همچنین حکومت جهانی وی شامل همه جنبه‌های زندگانی بشر است و از بزرگترین و درخشنده‌ترین پیروزیها و دست آوردهایی خواهد بود که انسانیت در طول تاریخ، به آن دست خواهد یافت.

* - مدرس حوزه، استادیار، عضو هیات علمی مرکز جهانی علوم اسلامی.

از انگیزه‌های پژوهش و نگارش در مورد «تبارشناسی حضرت مهدی (عج)» این است که بعضی از نویسندگان سنی مذهب همچنان در موضوع هویت و شناخت خانوادگی نسب آن حضرت، شبهه افکنی می‌کنند. برخی می‌گویند: آن حضرت از فرزندان عباس (عموی پیامبر ﷺ) است، برخی دیگر مدعی‌اند که وی از نسل امام حسن مجتبی (ع) است و نام پدرش، عبدالله بوده و هنوز به دنیا نیامده است. گروهی دیگر سکوت اختیار کردند و بالاخره، گروه چهارم از میان اهل سنت - مانند عرفا و اهل کشف* - با اعتقاد شیعه اثنی عشریه موافقت کرده، بر این باورند که آن حضرت، نهمین فرزند

* - نام عده‌ای از دانشمندان اهل سنت که به نسب حضرت مهدی (عج) و ولادت آن حضرت در نیمه شعبان ۲۵۵ ق. تصریح کرده‌اند، همراه با اسامی کتبشان چنین است:

۱. شیخ محی الدین، ابن عربی، الفتوحات المکیة، باب ۴۶۳.
۲. محمد بن طلحه شافعی، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ج ۲، ص ۷۹.
۳. ابو المظفر سبط ابن جوزی حنفی، تذکرة الخواص، ص ۳۶۳-۳۶۵.
۴. شیخ ابراهیم بن سعد الدین جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، حدیث ۵۷۲-۵۷۱.
۵. نورالدین علی بن محمد، ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، فصل ۱۲.
۶. شمس الدین محمد بن علی (ابن طولون) حنفی، الاثمة الاثنی عشر، باب ۱۲.
۷. عبدالوهاب بن احمد شعرانی شافعی، البواقیت و الجواهر، ج ۲، صص ۴۱۱-۴۱۰، مبحث ۶۵.
۸. ابن خلکان، اخبار الدول، ص ۱۱۷.
۹. شیخ شبلنجی، نور الابصار، ص ۱۵۲.
۱۰. شیخ صلاح الدین صفدی، ینایع المودة، ص ۴۷۱.
۱۱. شیخ سراج الدین محمد رفاعی، صحاح الاخبار، بخش ترجمه الامام ابن الحسن الهادی.
۱۲. ذهبی، تاریخ دول الاسلام، ج ۵، ص ۱۵۵.
۱۳. حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع المودة، صص ۴۹۱ و ۴۵۲.

و... بالاخره مرحوم محدث نوری در کتاب کشف الاستار، اسامی دهها نفر دیگر از بزرگان و نویسندگان اهل سنت را که به ولادت حضرت مهدی (عج) تصریح کرده‌اند، ذکر کرده است.

جا دارد که از شعر محمد بن طولون حنفی تاریخ نویس دمشق (م ۹۵۳ هجری) یاد کنیم که پس از ذکر اسامی دوازده امام (ع) می‌گوید: «من نام‌های ایشان را این گونه به نظم در آورده‌ام» ترجمه آن چنین است:

بر تو باد که ملازم دوازده امام باشی

آنان که از خاندان بهترین انسان یعنی حضرت مصطفی هستند

ابو تراب و حسن و حسین

و دشمنی زین العابدین عیسی است بزرگ

محمد باقر چه پایه از علوم آگاه بود

و جعفر را در میان تمام مردمان راستگو بخوان

موسی همان کاظم است و فرزندش علی است

او را به رضا ملقب ساز که منزلتش بس رفیع است

حسین بن علی علیه السلام است که به دنیا آمده و در غیبت به سر می برد.^۱
مقصد اصلی این مقال، تبیین نسب حضرت مهدی علیه السلام است و این که آن حضرت:
از «آل محمد» علیهم السلام و «امت» اوست؛

بلکه از «ذوی القربی» و «عترت» و «اهل بیت» پیامبر صلی الله علیه و آله است؛
بالاخره نهمین فرزند آن حضرت است.

چنان که روایات متواتر شیعه و احادیث مستفیض اهل سنت بر آن دلالت دارد و نیز به آن گونه که
امامیه اتفاق دارند بر کسی که پیامبر اسلام به ظهورش در آخر الزمان وعده داده، همان وجود مبارکی
است که فرزند امام حسن عسکری فرزند امام علی نقی فرزند امام محمد تقی فرزند امام علی الرضا
فرزند امام موسی کاظم فرزند امام جعفر صادق فرزند امام محمد باقر فرزند امام علی سجاد فرزند امام
حسین شهید فرزند امام علی امیر مؤمنان علیه السلام می باشد.

تبیین نقلی و اثبات تاریخی چنین نسبی مقصود ماست. بنابراین، پذیرش بعضی از روایات
جعلی که آن حضرت را از نسل عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده، وجهی ندارد چنان که این
سخن که وی از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است بی اساس است (مگر بنابر توجیهی که خواهد

محمد تقی قلبش آباد است

و علی النقی در سخنانش منتشر است
و حسن عسکری که پاک و مطهر است

و محمد مهدی که ظهور خواهد کرد.
الاثمة الاثنی عشر، ابن طولون حنفی، ص ۱۱۸؛ سید ثامر العمیدی، در انتظار قنوس، ترجمه مهدی علیزاده،
مؤسسه امام خمینی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۶۸.

۱ - فقیه حافظ، ابوبکر بیهقی صاحب کتاب «السنن» به ذکر دو گروه اخیر پرداخته، چنین آورده است: «مردم درباره
«مهدی» اختلاف کرده اند، عده ای در داوری سکوت پیشه کردند و آگاهی به آن را به عالمان و آگاهان واقعی واگذارند و
به همین مطلب بسنده کردند که وی، یکی از فرزندان حضرت فاطمه، دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و هر گاه خداوند
بخواهد او را می آفریند و وی را جهت نصرت دینش بر می انگیزد.

گروهی دیگر، بر این باورند که مهدی موعود علیه السلام روز جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری زاده شد و وی امام
محمد بن حسن عسکری علیه السلام ملقب به «حجت»، «قائم» و «منتظر» است. وی از دیدگان مردم پنهان و در انتظار
ظهورش است. وی به زودی ظهور خواهد کرد و زمین را که ظلم و ستم فرا گرفته، از عدل و داد پر خواهد کرد. هیچ امتناع
عقلی برای عمر طولانی آن حضرت نیست چنان که حضرت عیسی و خضر از عمر طولانی برخوردارند....

وی سپس افزوده است: گروهی از اهل کشف و معرفت این عقیده را پذیرفته اند.

ر.ک: ابوبکر بیهقی، شعب الایمان، به نقل از سید محسن امین، البرهان علی وجود صاحب الزمان، نشر
الوطنیه، سوریه، ۱۳۳۳ ق. ص ۷۹.

آمد) و یا توقف و دادن رأی ممتنع در نسب آن حضرت، نادرست و غیر قابل قبول است. به همین جهت، به نظر می‌رسد پس از اثبات این واقعیت، در رد آن هیچ بهانه‌ای بها ندارد و ادعایی بی‌دلیل و فاقد برهان به شمار می‌رود و کافی است که به سخن پرمغز ابن حجر (از عالمان معروف اهل سنت) در این مورد توجه کنیم که آورده است:

بر همه لازم است که نسبت به این «نسب شریف» غیرت و تعصب ورزند و آن را به درستی ضبط کنند تا مبادا کسی، به ناحق، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده شود. نسبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله همواره در طول زمان، ثابت و محفوظ است، «حسب» نوادگان آن حضرت که وسیله تمایز از دیگران است، همچنان از ادعاهای جاهلان و مردمان پست محفوظ است. [چه این که] خداوند در هر زمان به عده‌ای الهام داشته که به تصحیح آن پردازند و به حفظ کامل آن گردن نهند.^۱

یاد سپاری

۱- جهت دستیابی بهتر به نتایج این نوشتار و دسته‌بندی روایات رسیده در مورد نسب حضرت مهدی علیه السلام، هر گروه از آنها شماره‌گذاری و تنها به ذکر یک یا چند نمونه از متن روایات اکتفا شده است.

۲- از آنجا که هدف اصلی مقاله، تبیین وحدت دیدگاه اکثریت اهل سنت با نظریه اتّفاقی امامیه در باره نسب حضرت مهدی علیه السلام است، در بیشتر موارد به ذکر منابع و مصادر روایی اهل سنت بسنده کردیم.

۳- ذکر تفصیلی و تفکیکی روایات مربوط، به جهت شبهه زدایی و تأکید بر پیام اصلی مقاله است.

۴- در پایان نوشتار به نقد و بررسی دو نظریه، در مورد نسب حضرت مهدی علیه السلام می‌پردازیم تا مجموعه روایات در این باره، مورد ملاحظه قرار گرفته، از اتهام گزینش کردن اسناد تاریخی به دور باشد. برای وصول به این مقصود، نوشته حاضر در سه بخش تنظیم شد:

بخش اول: دسته‌بندی روایاتی که در مورد تبارشناسی حضرت مهدی علیه السلام از فریقین نقل شده است.

بخش دوم: تحلیل و بررسی نظریه ختم تبار آن حضرت به عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله.

بخش سوم: تحلیل و بررسی نظریه ختم نسب آن حضرت به امام حسن مجتبی علیه السلام.

رواق اندیشه ۲۱

۳۰

تبارشناسی حضرت مهدی (ع)

و پاسخ به دو شبهه

بخش یکم: دسته‌بندی روایات باب نسب حضرت مهدی از کنانه^۱ تا امام حسن عسکری علیه السلام
 ۱- مهدی از نسل کنانه (جذ چهارم پیامبر صلی الله علیه و آله)

ابوعمر و عثمان بن سعید مقری در کتاب «سنن» از قتاده نقل کرده است که وی از سعید بن مسیب پرسید: آیا (قضیه) مهدی حقیقت دارد؟ وی گفت: آری. قتاده پرسید: او از نسل چه کسی است، سعید گفت: از نسل کنانه و...^۲

۲- مهدی علیه السلام از قریش

حافظ ابوعبدالله بن حماد در کتاب «الفتن» از طریق اسحاق بن یحیی بن طلحه از طاووس نقل کرد که چنین گفت: عمر بن خطاب طواف وداع کعبه را انجام داد، سپس گفت: سوگند به خدا (صلاح) نمی‌بینم گنجینه‌های خانه خدا و سلاح و مال موجود در آن را واگذارم و در راه خدا تقسیم نکنم. امام علی بن ابیطالب علیه السلام به وی فرمود: ای خلیفه (از آن بگذر چه این که) تو صاحب آن نیستی. همانا صاحب آن جوان برومندی از قریش است که همه آن را در آخر الزمان در راه خدا تقسیم می‌کند.^۳

همچنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«بشارت دهید به مهدی علیه السلام؛ مروی از قریش، از عترت من...»^۴

۳- مهدی علیه السلام از بنی هاشم

از امام علی علیه السلام پرسیدند: مهدی شما چه کسی است؟ فرمود: از بنی هاشم، از والاترین تبار عرب...^۵ و نیز در روایت دیگر از آن حضرت نقل قول شد که فرمود: [در آخر الزمان] پرچمهای سیاه بر افراشته و سفیانی کشته می‌شود. در میان آنان جوانی از بنی هاشم که در کتف سمت چپ وی خالی نمودار است...^۶

۱ - مقصود از کنانه؛ کنانه فرزند خزیمه فرزند مدرکه فرزند الیاس فرزند نصر فرزند نزار فرزند معد فرزند عدنان است. اجداد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قریش به او می‌رسند به این صورت: محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مرّة بن کعب بن حوی بن غالب بن فهر بن مالک بن نصر (که همان قریش است) بن کنانه.

۲ - مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب اول، ص ۲۲.

۳ - همان، باب هفتم، ص ۱۵۴.

۴ - ابن حجر هیتمی، پیشین، ص ۹۹؛ و نیز ر.ک: محمد الصبان، اسعاف الراغبین، ص ۱۳۶.

۵ - ابو عبدالله نعمانی، الفقیه، ص ۲۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵.

۶ - هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۸؛ حدیث ۳۹۶۶۶؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۹؛ جمع الجوامع، ج ۲، ص ۱۰۳؛ موسوعة احادیث امیرالمؤمنین، ج ۱، ص ۴۹.

۴- مهدی علیه السلام از فرزندان عبدالمطلب

عده‌ای از راویان حدیث، از انس بن مالک نقل کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

ما، هفت تن از فرزندان عبدالمطلب، از بزرگواران اهل بهشتیم؛ من و برادرم علی و عموهایم حمزه و جعفر و (دزیه‌ام) حسن و حسین و مهدی علیه السلام.^۱

۵- مهدی علیه السلام از فرزندان ابوطالب

سیف بن عمیر می‌گوید: نزد منصور (خلیفه عباسی) بودم. بدون آن که چیزی گفته باشم، به من گفت: «ای سیف! باید صدایی از آسمان بلند شود به نام مردی از فرزندان ابوطالب...»

سیف با استبعاد از صحت حدیث، پرسید: «آیا واقعاً چنین است؟» منصور گفت: «بله، مردی از فرزندان فاطمه. ای سیف! اگر این خبر را از ابوجعفر؛ محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) نمی‌شنیدم، هرچند همه ساکنان روی زمین نقل می‌کردند، باور نمی‌کردم اما محمد بن علی علیه السلام چنین گفت (و قابل انکار و استبعاد نیست).^۲

۶- مهدی علیه السلام از امت محمّد صلی الله علیه و آله

از طریق ابوسعید خدری نقل شد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

در میان امت من، مهدی است. چه عمر درازی داشته باشد یا کوتاه... زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که از ظلم و ستم پر شده است...^۳

همانند این روایت را ابن ماجه^۴، ترمذی^۵، حاکم نیشابوری^۶ و امام بغوی^۷ نقل کرده‌اند.

۷- مهدی علیه السلام از آل محمّد صلی الله علیه و آله

امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «آیا مهدی از آل محمد است یا از غیر ما؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«آری، وی از ما است. خداوند همچنان که به خاطر ما آغاز کرد، به واسطه او به پایان می‌رساند...»^۸

رواق اندیشه ۲۱

۳۲

تألیف: تبارشاهی حضرت مهدی (ع)

و پاسخ به دو شبهه

۱ - مقدسی شافعی، باب هفتم، ص ۱۴۴؛ کنجی، البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام باب سوم، ص ۱۰۱؛ محمد بن طلحه شافعی، پیشین، جزء دوم، باب ۱۲.

۲ - مقدسی شافعی، پیشین، باب چهارم، فصل سوم، ص ۱۱۰.

۳ - ابن ابی شیبہ، المصنّف فی الأحادیث والآثار، ج ۱۵، ص ۱۹۶، حدیث ۱۹۴۸۴، جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۴۹، حدیث ۷۸۱۳.

۴ - ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۲۳، شماره حدیث ۴۰۸۳.

۵ - ترمذی، سنن ترمذی، جزء چهارم، باب ۵۳، حدیث ۲۲۳۲.

۶ - المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۵۵۸.

۷ - مصابیح السنّة، ج ۱، ص ۱۹۲ (باب اشراف الساعه).

۸ - هندی، پیشین، ج ۱۴، صص ۵۹۸-۵۹۹، حدیث ۳۹۶۸۲.

شبيه این روایت را ابوداود از عبدالله بن مسعود و ابوسعید خدری از پیامبر نقل کرده است.^۱ علاوه بر آن، نویسندگان دیگر هم به نقل مضمون آن پرداخته‌اند.^۲

۸- مهدی عليه السلام از میان امت مسلمانان

از آنجا که انتظار منجی بشریت در آخر الزمان، از اعتقادات مشترک ادیان به شمار می‌رود، به جهت ذکر مشخصات آن منجی و نیز به خاطر شبهه زدایی در این امر، در روایات تصریح شده است که مهدی از میان امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همان کسی است که پس از ظهورش، عیسی بن مریم به وی اقتدا می‌کند. نمونه‌هایی از این طیف روایات را ذکر می‌کنیم:

ابو سعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد که آن حضرت فرمود:

در امت من «مهدی» است.^۳

در روایت دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

مهدی از میان این امت است و اوست که عیسی بن مریم به وی اقتدا می‌کند.^۴

۹- مهدی عليه السلام از «عترت» پیامبر صلی الله علیه و آله

ابوسلم از پدرش عبدالرحمن بن عوف، نقل کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَيُعْتَنَ اللَّهُ مِنْ عَتْرَتِي رَجُلًا... يَمْلَأُ الْأَرْضَ عدلاً...»^۵

یعنی: حتماً خداوند از عترت من، مردی را بر می‌انگیزد که زمین را پر از عدل می‌کند.

حرث بن یزید می‌گوید: از عبدالله بن زریر غافقی شنیدم که گفت: از امام علی عليه السلام شنیدم که فرمود:

«...يُخْرِجُ رَجُلٌ مِنْ عَتْرَةِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله يَصْلَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ أَمْرَهُمْ.»^۶

یعنی: مردی از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله، ظهور خواهد کرد که خداوند به دست او کار مردم را اصلاح

۱- ابوداود سجستانی، صحیح ابن داود، ج ۴، ص ۱۰۶، کتاب المهدی، حدیث ۴۲۸۲ و ص ۱۰۷، حدیث ۲۴۸۳.

۲- ابن حجر هیتمی، پیشین، ص ۱۶۴؛ و نیز رک: محمد الصبّان، پیشین، ص ۱۳۳؛ الجامع الصغیر، ج ۶، ص ۲۷۹؛ مقدسی شافعی، پیشین، ص ۱۸؛ فردوس الأخبار، ج ۴، ص ۴۹۶؛ حدیث ۶۹۴۰؛ کنجی شافعی، پیشین، باب هشتم، ص ۱۱۸.

۳- تنبیح المودة، ص ۴۳۴.

۴- مقدسی شافعی، پیشین، باب دهم، ص ۲۳۱. در سایر منابع روایی هم از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مردی از امت من...» یا «در میان امت من مهدی ظهور خواهد کرد». رک: ابن صباغ مالکی، پیشین، ص ۱۷۶؛ ترمذی، پیشین، ص ۲۷۰.

۵- مقدسی شافعی، پیشین، باب اول، ص ۱۶.

۶- سید ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۲۲؛ عقد الدرر، ص ۵۷؛ موسوعة أمير المؤمنين عليه السلام، ج ۱، ص ۵۹.

می‌کند.

در این باره، روایات متعدّد دیگری از طرق مختلف، رسیده است.^۱

۱۰- مهدی علیه السلام از اهل بیت

ترمذی، در روایتی که آن را حدیث حسن و صحیح خوانده است به نقل از ابوهریره آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«لو لم يبق من الدنيا إلا يوم طَوَّلَ اللَّهُ ذلك اليوم حتّى يلى رجلاً من أهل بيتي...»^۲

یعنی: هرگاه از عمر دنیا، زمانی جز به اندازه یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌کند تا مردی از اهل بیت من، به ولایت (و عهده داری امر امت) دست یابد. ابو داود هم از امام علی علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود:

«لو لم يبق من الدهر إلا يوم لبعث الله تعالى رجلاً من أهل بيتي يملأها عدلاً كما ملئت جوراً.»^۳

یعنی: هرگاه از روزگار، زمانی جز به اندازه یک روز باقی نماند خداوند، مردی از خاندان مرا خواهد فرستاد تا همان‌گونه که زمین پر از ظلم و ستم شده بود، آن را پر از عدل و داد کند.

۱۱- مهدی از فرزندان امام علی علیه السلام

هارون بن سعید گفت: از امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم که - در سخنی مفصل - به عمر بن خطاب فرمود:

«... يظهر رجل من ولدي يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً وظلماً...»^۴

در روایتی سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«انّ عليّاً امام امتي من بعدي و من ولده القائم المنتظر الذي اذا ظهر يملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً...»^۵

یعنی: به درستی که علی، بعد از من پیشوای امت است و از نسل اوست، قیام‌کننده‌ای که همه منتظر اویند که هرگاه ظهور کند زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان طوری که از ظلم و ستم پر شده بود.

روایات گذشته ۲۱

۳۳

تألیفات حضرت مهدی (ع)

و پاسخ به دو شبهه

۱ - ر.ک: ابو داود سجستانی، پیشین، ص ۱۰۷؛ محمد الصبان، پیشین، ص ۱۳۳؛ ابن حجر هیتمی، پیشین، ص ۱۶۴.

۲ - ترمذی، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۰ و نیز با اندکی اختلاف، رجوع شود به: محمد الصبان، پیشین، ص ۱۳۳؛ ابن حجر هیتمی، پیشین، ص ۱۶۵؛ جامع الاصول، ج ۱۱، صص ۴۸-۴۹.

۳ - ابو داود سجستانی، پیشین، ج ۴، ص ۱۰۷.

۴ - حلیه الأبرار، ج ۲، ص ۶۰۲.

۵ - ینایع المودة، باب ۶۴ ص ۴۹۴.

۱۲- مهدی علیه السلام از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام

ام سلمه می گوید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«المهدي من عترتي من ولد فاطمة...»^۱

علی بن هلال، از پدرش نقل کرد که گفت: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله بیمار بود، بر آن حضرت وارد شدم، حضرت فاطمه نزد آن حضرت بود و گریه می کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله به وی فرمود: دخترم! چرا گریه می کنی؟ حضرت فاطمه علیها السلام عرضه داشت: از فقدان و وضعیت پس از شما نگرانم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«والذي بعثني بالحق نبياً ان المهدي من ولدك يملأ الأرض قسطاً كما ملئت جوراً»^۲

یعنی: قسم به خدایی که مرا به حق پیامبر قرار داد، مهدی از نسل توست که زمین را پر از عدل و قسط می کند همان طوری که از ظلم و جور پر شده بود.

۱۳- مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام

حافظ ابونعیم در کتابش «صفة المهدي» از حذیفه بن یمان، نقل کرد که گفت: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ما سخنرانی کرد و از وقایعی که بعد از او رخ می داد، سخن گفت. سپس فرمود:

«لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله عز وجل ذلك اليوم حتى يبعث فيه رجلاً من ولدي، اسمه اسمي.»

در این هنگام، سلمان فارسی از جای برخاست و عرض کرد: «ای پیامبر خدا! وی از کدامین فرزند توست؟» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستش را بر [شانه] حسین علیه السلام نهاد و فرمود: «هو من ولدي هذا»^۳

جمع بندی

از آنچه گذشت به دست آمد که مهدی موعود علیه السلام از کنانه، سپس از قریش، سپس از بنی هاشم سپس از امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از اهل بیت علیهم السلام و ذریه و عترت آن حضرت، سپس از فرزندان علی و فاطمه علیها السلام و از فرزندان امام حسین علیه السلام و نهمین فرزند از نسل آن حضرت است. روایات متواتر از طریق شیعه، و روایات مستفیض از اهل سنت، بر چنین تبارشناسی دلالت دارد که نمونه هایی از آن ذکر گردید.

۱ - ابو داود سجستانی، ج ۴، ص ۱۰۷ و نیز ر.ک: محمد الصبّان، پیشین، ص ۱۳۳؛ ابن حجر هیتمی، پیشین، ص ۲۳۷.

۲ - نیاایع المودة، باب ۵۶، ص ۲۲۳.

۳ - مقدسی شافعی، پیشین، باب اول، ص ۲۴ و نیز ر.ک: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۸۲؛ کنجی شافعی، پیشین، باب نهم، ص ۱۲۰.

نگاهی دیگر

با توجه به روایات رسیده در موضوع نسب حضرت مهدی (ع) با بیانی که گذشت، جا دارد نگاهی دیگر به دسته‌بندی کمی روایاتی بپردازیم که از طریق فریقین (شیعه و سنی) وارد شده است. این آمار، با نگاهی به دو فصل از کتاب ارزشمند «منتخب الأثر» [فصل اول و دوم] اثر آیت‌الله صافی گلپایگانی به این شرح است:

- ۱- روایاتی که دلالت دارند امامان، دوازده نفرند: ۲۷۱ روایت.
- ۲- روایاتی که دلالت دارند عدد امامان به تعداد نقبای بنی اسرائیل است: ۴۰ روایت.
- ۳- روایاتی که دلالت دارند امامان، دوازده نفرند که اول آنان حضرت علی علیه السلام است: ۱۳۳ روایت.
- ۴- روایاتی که دلالت دارند امامان، دوازده نفرند که اول آنان حضرت علی علیه السلام و آخر آنان مهدی علیه السلام است: ۹۱ روایت.
- ۵- روایاتی که دلالت دارند امامان دوازده نفرند و آخر آنان مهدی علیه السلام است: ۹۴ روایت.
- ۶- روایاتی که دلالت دارند امامان دوازده نفرند و ۹ نفر آنان از فرزندان امام حسین علیه السلام هستند: ۱۳۹ روایت.
- ۷- روایاتی که دلالت دارند امامان دوازده نفرند و ۹ نفر آنان از فرزندان امام حسین علیه السلام هستند و نهمین آنان «قائم» علیه السلام است: ۱۰۷ روایت.
- ۸- روایاتی که دلالت دارند بر ذکر نام‌های امامان دوازده گانه: ۵۰ روایت.
- ۹- روایاتی که دلالت دارند بر این که مهدی از اهل بیت علیهم السلام است: ۳۸۹ روایت.
- ۱۰- روایاتی که دلالت دارند بر این که اسم مهدی، اسم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کنیه وی، کنیه آن حضرت و او شبیه‌ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله است: ۴۸ روایت.
- ۱۱- روایاتی که دلالت دارند بر این که حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان امیرمؤمنان علی علیه السلام است: ۲۱۴ روایت.
- ۱۲- روایاتی که دلالت دارند بر این که حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیه السلام است: ۱۹۲ روایت.
- ۱۳- روایاتی که دلالت دارند بر این که حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان سبطین علیهم السلام است: ۱۰۷ روایت.
- ۱۴- روایاتی که دلالت دارند بر این که حضرت مهدی علیه السلام از امامان نه گانه از فرزندان امام حسین علیه السلام است: ۱۶۰ روایت.
- ۱۵- روایاتی که دلالت دارند بر این که مهدی علیه السلام نهمین فرزند از فرزندان امام حسین علیه السلام است:

۱۴۸ روایت.

۱۶- روایاتی که دلالت دارند بر این که مهدی علیه السلام از فرزندان علی بن حسین علیه السلام است: ۱۸۵ روایت.

۱۷- روایاتی که دلالت دارند بر این که مهدی علیه السلام از فرزندان امام محمد باقر علیه السلام است: ۱۰۳ روایت.

۱۸- روایاتی که دلالت دارند بر این که مهدی علیه السلام از فرزندان امام صادق علیه السلام است: ۱۰۳ روایت.

۱۹- روایاتی که دلالت دارند بر این که مهدی علیه السلام ششمین فرزند از فرزندان امام صادق علیه السلام است: ۹۹ روایت.

۲۰- روایاتی که دلالت دارند حضرت مهدی از فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام است: ۱۰۱ روایت.

۲۱- روایاتی که دلالت دارند بر این که حضرت مهدی، پنجمین فرزند از فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام است: ۹۸ روایت.

۲۲- روایاتی که دلالت دارند بر این که حضرت مهدی چهارمین فرزند از فرزندان علی بن موسی علیه السلام است: ۹۵ روایت.

۲۳- روایاتی که دلالت دارند بر این که حضرت مهدی سومین فرزند از فرزندان محمد بن علی علیه السلام است: ۹۰ روایت.

۲۴- روایاتی که دلالت دارند بر این که مهدی علیه السلام از فرزندان امام هادی علیه السلام است: ۹۰ روایت.

۲۵- روایاتی که دلالت دارند حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است: ۱۴۶ روایت.

۲۶- روایاتی که دلالت دارند بر این که اسم پدرش حسن است: ۱۴۷ روایت.

۲۷- روایاتی که دلالت دارند بر این که حضرت مهدی، دوازدهمین امام و «خاتم» امامان است: ۱۳۶ روایت.

با توجه به این همه روایات، آیا شکی نسبت به نسب حضرت مهدی علیه السلام باقی می ماند؟!

بخش دوم: بررسی روایاتی که مهدی علیه السلام را از نسل عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می کند
برخی از شبهه افکنان و نویسندگان اهل سنت، به نقل بعضی از روایاتی پرداختند که امام مهدی علیه السلام را از فرزندان عباس معرفی می کند. این دسته از روایات، مانعی در راه تشخیص نسب امام مهدی علیه السلام به شمار می رود. در این بخش به بررسی و تحلیل چنین روایاتی می پردازیم.

الف) احادیثی که به صورت غیر واضح و مجمل، مهدی را از فرزندان عباس به شمار آورده است.

این دسته، منحصر در روایات «پرچمها» [رایات] است. مانند روایاتی که احمد در مسند از ثوبان از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است:

هرگاه پرچمهای سیاه را دیدید که از طرف خراسان می‌آیند، پس به سوی آنها بشتابید، هر چند که بر روی یخ و برف بخزید، به یقین خلیفه خدا، مهدی در میان آنهاست.^۱

ابن ماجه نیز مشابه آن را در سنن خود نقل کرده است.^۲ همچنین ترمذی به اسناد خود از ابوهریره نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود:

پرچمهای سیاهی از خراسان، ظهور خواهد کرد و چیزی مانع آنها نخواهد شد تا این که در بیت المقدس به اهتزاز در آیند و نصب شوند.^۳

هر چند در این احادیث به این که مهدی از فرزندان عباس است، تصریح نشده، ولی برخی چنین مطلبی را از آن استنباط کرده‌اند: به این بیان که احتمال دارد این پرچمهای سیاه، همان پرچمهایی باشد که ابو مسلم خراسانی با برافراشتن آنها قیام خود را از خراسان آغاز و با همین شعار و نشان، حکومت بنی‌العباس را تثبیت کرد و بر این اساس، احادیث مزبور درباره مهدی عباسی وارد شده است.^۴

تحلیل و بررسی

روایاتی که ذکر شد، هر چند بر این که مهدی موعود ﷺ از فرزندان عباس است، دلالت صریح ندارد و چنین استفاده‌ای از این روایات، قابل قبول نیست؛ چه این که عده‌ای از علمای اهل سنت، دلالت این روایات را ضعیف شمرده‌اند. علاوه بر آن، این روایات با روایات متواتر و مستفیضی که پیش از این گذشت ناسازگار است و قوت آنها، چنین روایات سست و ضعیف را طرد می‌کند.

از نشانه‌های ضعف دلالت این روایات آن است که دو حدیث مسند احمد و سنن ابن ماجه را عده‌ای از علما ضعیف شمرده‌اند، مانند ابن قیّم که می‌گوید:

رواق اندیشه ۲۱

۳۸

تبارشاسی حضرت مهدی (ج)

و پاسخ به دو شبهه

این حدیث و حدیث پیشین، اثبات نمی‌کنند که مهدی عباسی که به حکومت رسید، همان مهدی موعودی است که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد.^۵

اساساً مهدی عباسی، نه در آخر الزمان بوده، نه بیعتی با عباسیان در میان رکن و مقام صورت گرفته است، نه دجال را به قتل رسانده‌اند، نه عیسای مسیح ﷺ از آسمان فرود آمده و در پشت مهدی آنان نماز گزارده است، نه صحرا، سپاهی را در زمان ایشان در کام خود کشیده است و نه کوچکترین

۱- احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۲۷۷، حدیث ۱۳۳۶.

۲- ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۳۶، حدیث ۴۰۸۲.

۳- ترمذی، پیشین، ج ۴، ص ۵۳۱، حدیث ۲۲۶۹.

۴- سید نامر العمیدی، پیشین، ص ۹۵.

۵- ابن قیّم، المتار المنیّف، صص ۱۳۸-۱۳۷. (ذیل دو حدیث ۳۳۸ و ۳۳۹)

علامتی از نشانه‌های ظهور موعود، در عصر آنان رخ داده است.

اما درباره حدیث ترمذی، باید گفت ابن کثیر آن را «غریب» شمرده و گفته است:

این پرچمهای سیاهی که در روایت آمده، آن پرچمهایی نیست که ابو مسلم برافراشت، بلکه پرچمهای سیاه دیگری است که به همراه مهدی خواهند آمد... و مقصود از این حدیث آن است که مهدی توصیف شده‌ای که ظهورش در آخرالزمان وعده داده شده است، ابتدای ظهورش از مشرق زمین خواهد بود.

به نظر می‌رسد که مبلغان و داعیه‌داران خلافت عباسی، چنین احادیثی را جهت ترویج و تحکیم موقعیت خود به این شکل، تحریف معنوی کرده باشند. احادیث صریحی که بدین منظور جعل کردند، مؤید این فرض است.^۱

ب) احادیثی که به صراحت دلالت دارد که مهدی از نسل عباس است.

دسته‌ای دیگر از روایات که در نسب حضرت مهدی (عج) «به گونه‌ای که شیعه معتقد است» مانع به شمار می‌رود، چهار دسته از روایات نقل شده در برخی مصادر و منابع اهل سنت است که هر یک از آنها را ذکر کرده، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم:

۱- «المهدي من ولد العباس عتي»^۲

سند این روایت چنین است: «نعم بن حماد: حدثنا الوليد، عن شيخ، عن يزيد بن الوليد الخزاعي،

عن كعب...»

این حدیث به خاطر فرد مجهولی که در سلسله سند قرار گرفته، ضعیف به شمار می‌رود. فرد مجهول، «شیخ» است.

دارقطنی گفته است که محمد بن ولید از بنی هاشم در این حدیث دست برده است. وی این حدیث را به عنوان حدیث احاد [الافراد] روایت کرده، و ابن جوزی درباره آن گفته است:

«در سند این حدیث، محمد بن ولید مقلد قرار دارد که این عدی در شأن او آورده است:

وی احادیث را جعل می‌کند و به یکدیگر متصل می‌سازد و از آنها می‌دزد و سندها و متون روایات را تحریف و متبدل می‌سازد»^۳

سمهودی در مورد حدیث مذکور چنین گفته است:

حدیث قبلی و حدیث بعدی از آن صحیح‌ترند و این حدیث معتبر نیست؛ چون در طریق

۱ - سید ثامر العمیدی، پیشین، ص ۹۶.

۲ - ابن حماد، پیشین، ص ۲۶۵.

۳ - سید ثامر العمیدی، پیشین، ص ۹۷.

آن محمد بن ولید قرار دارد که وضاع و جعل‌کننده حدیث است.^۱
سیوطی^۲ و ابوالقیض خماري^۳ و مجدی بن منصور^۴ و جاسم البانی^۵ و ابن حجر^۶ این حدیث را ضعیف شمرده‌اند.

۲- حدیث «یا عَمِّي بِي فَتَحَ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ وَ سَيَخْتِمُهُ بِرَجُلٍ مِنْ وَلَدِكَ»^۷
این حدیث، اگر چه دلالت دارد بر این که مردی از فرزندان عباس قیام خواهد کرد، اما از دیدگاه سیوطی، ساختگی است. ابن وردی این حدیث را به صورت مرسل از ابن عمر نقل کرده که موقوف است.^۸

۳- حدیث «یا عَبَّاسُ! قَالَ: لَيْتَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ: يَا عَمَّ النَّبِيِّ! إِنَّ اللَّهَ ابْتَدَأَ بِي الْإِسْلَامَ وَ سَيَخْتِمُهُ بِغُلَامٍ مِنْ وَلَدِكَ وَ هُوَ الَّذِي يَتَقَدَّمُ لِعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ»^۹
یعنی: خداوند اسلام را با من آغاز کرد و با پسری از فرزندان تو پایان می‌بخشد و او همان کسی است که عیسی بن مریم به او اقتدا خواهد کرد.

سیوطی این حدیث را ساختگی دانسته و «غلابی» متهم به جعل آن است.^{۱۰}
این حدیث به نقل خطیب بغدادی است که شخصی به نام محمد بن مخلد در سند آن قرار دارد.^{۱۱} ذهبی در مورد وی آورده است:

«حدیث، از محمد بن مخلد عطار نقل شده است. او سبب ناسالم بودن این حدیث است و عجیب است که خطیب در تاریخ خود آن را حکایت کرده، ولی ضعیف نشمرده است و گویا سکوت او در توصیف این شخص، به جهت رسوایی آشکار حال وی بوده است»^{۱۲}

۴- حدیث خبردهنده از حکومت عباسیان در قرن دوم

۱- منادی، فیض القدير في شرح الجامع الصغير، ج ۶ ص ۲۷۸، حدیث ۹۲۴۲.

۲- الجامع الصغير، پیشین، ج ۲، ص ۵۵۲.

۳- سیوطی، الحاوي للفتاوى، ج ۲، ص ۸۵.

۴- ابن حنّاد، پیشین، ص ۲۶۵.

۵- البرهان، ج ۲، ص ۵۹۱.

۶- ابن حجر هیتمی، پیشین، ص ۱۶۶.

۷- اللّٰثَالِي المصنوعة في الأحاديث الموضوعة، ج ۱، ص ۳۹۷.

۸- ابن وردی، خريدة العجائب، ص ۱۹۹.

۹- ذخائر العقبی، ص ۲۰۶؛ ابن حجر هیتمی، پیشین، ص ۲۳۷؛ هندی، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۷۱، حدیث ۳۸۶۹۳.

۱۰- اللّٰثَالِي المصنوعة في الأحاديث الموضوعة، ج ۱، ص ۳۹۷ (و صص ۴۳۵-۴۳۴).

۱۱- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۳۲۳ و ج ۴، ص ۱۱۷.

۱۲- ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۸۹، حدیث ۳۲۸.

خطیب بغدادی^۱ و ابن عساکر^۲ از ام الفضل نقل کرده‌اند که گفت: پیامبر ﷺ به عمویش عباس فرمود: «ای عباس! هنگامی که سال یکصد و سی و پنج فرا رسد، آن سال به تو و فرزندانت - از جمله سقاح و منصور و مهدی - تعلق خواهد داشت.»

عده‌ای خواستند از این روایت استفاده کنند که مهدی از عباس است. در حالی که این حدیث ضعیف و ساختگی است. ذهبی در مورد این حدیث می‌گوید:

در سند این حدیث، احمد بن راشد هلالی قرار دارد که وی از سعید بن خیشم، خبر باطلی را از روایت خیشم از طریق حنظله نقل کرده است... احمد بن راشد کسی است که این حدیث را از روی نادانی جعل کرده است.^۳

خوانندگان محترم توجه دارند که نادانی احمد بن راشد، چه اندازه است! وی غافل از این است که حکومت عباسیان در سال ۱۳۵ هجری قمری آغاز نشده، بلکه در سال ۱۳۲ آغاز شده است. از سوی دیگر، در زمان پیامبر اکرم ﷺ تاریخ هجری به عنوان تاریخ رسمی مسلمانان اعلام نشده بود که پیامبر ﷺ از آن خبر داده باشد. قرار دادن هجرت، به عنوان مبدأ تاریخ مسلمانان، پس از رحلت پیامبر ﷺ به پیشنهاد امیر مؤمنان علیا در دوره خلیفه دوم بوده است.

علاوه بر آن، نظیر همین حدیث را ابن کثیر به نقل از ضحاک از ابن عباس روایت کرده و می‌گوید: این طریق، اسناد ضعیفی است. زیرا ضحاک به طریق صحیح چیزی از ابن عباس ننشیده است. بنابراین، حدیث مذکور، منقطع است.^۴

و نیز حاکم از طریق دیگری که در آن اسماعیل بن مهاجر واقع شده، حدیث مزبور را نقل کرده است^۵ و ابوالفیض از ذهبی حکایت می‌کند که اسماعیل از کسانی است که علما بر ضعفشان اجماع دارند.^۶

جمع‌بندی

کسانی که بی توجه به احادیث متواتر و قطعی، نگاهشان را به روایات چهارگانه مذکور دوخته‌اند و خواستند اینها را مانعی جدی در راه تشخیص نسب امام مهدی (عج) قرار دهند، سخت در اشتباهند و

۱ - خطیب بغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۶۳

۲ - ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۴، ص ۱۷۸.

۳ - ذهبی، پیشین، ج ۱، ص ۹۷.

۴ - ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۶، ص ۲۴۶.

۵ - حاکم نیشابوری، پیشین، ج ۴، ص ۱۴.

۶ - ابراز الوهم المکتون، ص ۵۴۳.

باید از استناد به احادیث ساختگی بپرهیزند. از سوی دیگر، اگر احادیثی در مجامع روایی اهل سنت یافت شود که برخی آنها را صحیح الاسناد بدانند^۱ و در آنها از ابن العباس بودن مهدی علیه السلام سخن رفته باشد، یا روایات مستفیض و صحیح الاسناد دیگر اهل سنت متعارض خواهد بود و نمی توان به آنها استناد کرد. پس چنان که پیش از این بیان شد، نتیجه صحیح بررسی احادیث مربوط به نسب امام مهدی (عج) این است که آن حضرت از فرزندان ابوطالب است.

علاوه بر آنچه که گفته شد، توجه به این نکته لازم است که از جمله دلایل بطلان احادیث ابن العباس بودن حضرت مهدی (ع)، روایاتی است که به صراحت این نسبت را نفی می کند. از این دسته روایات، احادیثی در کتب روایی آمده است^۲ که به عنوان نمونه یک روایت را می آوریم:

عن أبي قبیل قال: «لم یزل الناس یخیر فی رءاء ما لم ینقض ملک بنی العباس، فاذا انتقض ملکهم، لم یزالوا فی فتن حتّی یقوم المهدی»^۳

یعنی: تا زمانی که حکومت فرزندان عباس پایان نپذیرد، مردم در راحتی و خوبی به سر می برند و هرگاه حکومت آنان به پایان رسید، مردم همواره در آشوب و ناآرامی زندگی می کنند تا مهدی علیه السلام ظهور کند.

البته، خوانندگان محترم توجه دارند که این روایت مستند نیست و برای تعریف و تمجید عباسیان است لیکن این نکته، نزد عده ای از راویان مسلم بوده است که حکومت حضرت مهدی علیه السلام غیر از حکومت عباسیان است.

بخش سوم: تحلیل و بررسی نظریه ختم نسب حضرت مهدی (عج) به امام حسن مجتبی علیه السلام
تعداد اندکی از نویسندگان سنی مذهب، به سه روایت استدلال کردند که حضرت مهدی (عج) از ذریه حسن بن علی بن ابی طالب است. هر چند - چنان که خواهد آمد - پذیرش این دسته از روایات، قابل توجیه و تفسیر است ولی شاید برخی مخالفان با طرح آنها، در صدد تضعیف اعتقاد امامیه باشند و از آنها چنین نتیجه بگیرند که حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام نیست. از این رو، در این بخش با اشاره به سه روایت مورد استناد، آنها را مورد تحلیل و بررسی قرار می دهیم.

روایت اول: نعیم بن حمّاد به نقل از أعمش از ابو وائل [عبدالله بن بحیر صنعانی] نقل می کند که حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام نگریست، سپس فرمود: این فرزندم «سید» [و بزرگ و آقا] است چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله او را چنین نامیده است و از نسل او، مردی به دنیا خواهد آمد که هم نام پیامبرتان

۱ - مانند حدیثی که حاکم نیشابوری در جلد چهارم مستدرک، ص ۵۱۴ ذکر کرده است.

۲ - ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۱، صص ۱۹۷-۱۹۴.

۳ - همان، ص ۱۹۵ به نقل از: مقدسی شافعی، پیشین، ص ۴۸، باب ۴، حدیث ۱.

است. در اخلاق، شبیه آن حضرت است ولی در خلقت [و شکل ظاهری] به وی شباهت ندارد. از زمین را از داد پر می‌کند.^۱

روایت دوم، شبیه روایت اول است که آن را ابو داود سجستانی از هارون بن مغیره از عمر بن اُبی قیس از شعیب بن خالد از ابو اسحاق سبیعی نقل کرده است.^۲

روایت سوم: به نقل متقی هندی، روایتی را «تمام» در کتاب فوائد و ابن عساکر از عبدالله بن عمرو بن عاص، نقل کرده است که:

«يُخْرِجُ رَجُلًا مِنْ وَلَدِ حَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ لَوْ اسْتَقْبَلَ بِهَا الْجِبَالَ لَهَدَمَهَا وَ اتَّخَذَ فِيهَا طَرَقًا»^۳

یعنی: مردی از فرزندان حسن از سوی مشرق زمین ظهور خواهد کرد که اگر در برابر کوهها قرار گیرد، آنها را از بین می‌برد و در آن راه (عبور) بر می‌گزیند.

بطلان این روایات

این روایات به دلایل مختلف مورد قبول نیست:

۱- در حدیث اول، اولاً، از جمله راویان، عبدالله بن بحیر صنعانی مکتبی به «ابو وائل» است که از یاوران معاویه در جنگ صفین بوده است. ثانیاً: ناقل از او، شخصی است به نام ابن لهیعة، عبدالله بن عقبه حضرمی که از دیدگاه ذهبی «ضعیف» است.^۴ ثالثاً، وی از ابو قبیل حنّ بن هانی معافری نقل کرده است که «بخاری» در موردش می‌گوید: «فیه نظر» و احمد هم می‌گوید: «احادیثه مناکیر».^۵ رابعاً، راوی از ابن لهیعه، رشدین بن سعدین مفلح مهری است که ابو زرعه و دیگران او را تضعیف کردند و «حرب» می‌گویند: از احمد در مورد او، پرسیدم، احمد وی را تضعیف کرده است و ابن معین می‌گوید: «لا یکتب حدیثه»^۶ و خامساً، این روایت، معارض است با روایت دیگری از ابو قبیل از عبدالله بن عمر که در آن آمده است: «يُخْرِجُ رَجُلًا مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ...»^۷

۲- سند حدیث اوّل منقطع است؛ زیرا ابو اسحاق که حدیث را از زبان امیرالمؤمنین علی (ع) روایت کرده است، نامش اسحاق سبیعی است. وی چنان که منذری در شرح این حدیث خاطر نشان

۱- قلائد الدرر فی أخبار المهدي المنتظر، ص ۸۲

۲- ابو داود سجستانی، پیشین، ص ۱۰۸، حدیث ۴۲۹۰

۳-

۴- ذهبی، پیشین، ج ۲، ص ۴۷۵

۵- ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۷۲، ذهبی، المغنی فی الضعفاء، التقریب، ج ۱، ص ۲۰۹

۶- ابن حجر عسقلانی، پیشین، ج ۳، ص ۲۷۷؛ ذهبی، پیشین، ج ۱، ص ۲۳۲

۷- کنجی شافعی، پیشین، ص ۵۱۳، وی گفته است این حدیث را طبرانی و أبو نعیم هم نقل کردند.

می‌سازد،^۱ حتی یک حدیث هم از امام علی علیه السلام نشنیده است؛ چون در هنگام شهادت آن حضرت، شش یا هفت سال داشته است، چه آن که، بنابر نقل ابن حجر^۲ او دو سال از خلافت عثمان باقی مانده، به دنیا آمده است و طبق قول ابن خلکان،^۳ سه سال و به همین جهت «مزی» قول آنان را به این صورت نقل کرده که وی امام علی علیه السلام را دیده، لیکن از حضرتش حدیث استماع نکرده است.^۴

۳- این دسته احادیث، معارض با روایات بسیاری است که از طرق اهل سنت رسیده و در آنها تصریح شده که حضرت مهدی (عج) از فرزندان امام حسین علیه السلام است.^۵ نمونه‌ای از آنها، در بخش اول گذشت.

۴- در مورد حدیث دوم، باید گفت اختلاف در نقل این حدیث از ابو داود وجود دارد. به این بیان که جزری شافعی، این حدیث را به اسناد خود از ابو داود نقل کرده و به جای نام حسن علیه السلام، لفظ حسین علیه السلام در آن آمده است. جزری می‌گوید:

صحيح این است که مهدی از نسل حسین بن علی است، به جهت تصریح امیر مؤمنان علی بر آن، طبق خبری که از شیخ اجازه ما از عمر بن حسن الرقی به دستمان رسیده است؛ ابوالحسن بن بخاری از عمر بن محمد دارقزی از ابو بدر کرخی از ابوبکر خطیب از ابو عمر هاشمی از ابو علی لؤلؤی از حافظ ابو داود از هارون بن مغیره از عمر بن ابی قیس از شعيب بن خالد از ابو اسحاق خبر داد که علی به سوی فرزند خود نگریست و سپس فرمود: این پسرم سرور و آفاست، همچنان که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله او را این گونه نامید و از نسل وی فرزندی ظهور خواهد کرد، همتام با پیامبران که در خلق و خوی شبیه اوست، ولی در خلق (چهره و اندام) شبیه او نیست و سپس حکایت عدالت‌گستری وی را نقل کرد. ابو داود حدیث را این چنین در سنن خود آورده و در قبال آن سکوت کرده است.^۶

همین روایت را «مقدسی شافعی» در عقد الدرر^۷ آورده است و در آن نام امام حسن علیه السلام آمده است، اما محقق کتاب در پانوشت به نسخه بدلی اشاره می‌کند که در آن نام امام حسین علیه السلام آمده است. نام بردن مرحوم سید صدر الدین صدر از چنین نسخه‌ای نیز وجود آن را تأیید می‌کند، چه این

۱- منذری، مختصر سنن ابو داود، ج ۶ ص ۱۶۲، حدیث ۴۱۲۱.

۲- ابن حجر، پیشین، ج ۸ ص ۵۶، حدیث ۱۰۰.

۳- ابن خلکان، وفیات الأعیان، ج ۳ ص ۴۵۹، حدیث ۵۰۲.

۴- مزی، تهذیب الکمال، ج ۲۲ ص ۱۰۶، حدیث ۴۴۰۰.

۵- ر.ک: ابن قیم، پیشین، ص ۱۴۸، حدیث ۳۳۹؛ ابراهیم جوینی، پیشین، ج ۲ ص ۳۲۵، باب ۶۱ حدیث ۵۷۵؛

ینایع المودة، ج ۳، باب ۹۴: السيرة الحلیة، ج ۱ ص ۱۹۳.

۶- جزری دمشقی شافعی، أسمى المناقب فی تهذیب أسمى المطالب، صص ۱۶۸-۱۶۵.

۷- عقد الدرر، ص ۴۵، باب اول.

که وی از عقد الدرر همین حدیث را حکایت می‌کند و در آن اسم امام حسین علیه السلام به چشم می‌خورد.^۱ پس، این اختلاف، اعتقاد به هر یک از دو اسم و ترجیح یکی از آن دو را - تا زمانی که دلیل خارجی یکی را تأیید نکند - بی‌اساس می‌سازد. این دلیل خارجی در مورد امام حسن علیه السلام مفقود، و در مورد امام حسین علیه السلام موجود است.^۲

۵- یکی از احتمالات این است که چنین روایاتی، توسط مبلغان محمد بن عبدالله بن حسن مثنی ملقب به «نفس زکیه» جعل شده باشد چه این که گفته‌اند: وی گاهی مخفی می‌شد و ادعای مهدویت می‌کرد. یکی از شاعران که از پیروان وی بود به این مطلب پرداخته است:

ان الذین یروی الرواة لبین إذا ما ابن عبدالله فیهم تجردا^۳

آری، «حسنیون» و اتباع آنان، گمان کردند که مهدی همان محمد بن عبدالله بن حسن بن امام مجتبی است که در سال ۱۴۵ هجری و در زمان منصور عباسی کشته شد. مانند آنچه، بعد از ایشان اتفاق افتاد و عباسیان مدعی شدند که موعود، همان محمد بن عبدالله منصور عباسی ملقب به مهدی (که از سال ۱۵۸ تا ۱۶۹ هجری حکومت کرد) است. ادعایی که با هدف نیل به مقاصد سیاسی بزرگی که در سر داشتند عنوان شد، در حالی که دستیابی به این مقاصد، به شیوه‌های دیگر تقریباً ناممکن می‌نمود.^۴

۶- احتمال «تصحیف» و تغییر شکل کلمه حسین و ثبت شدن به شکل حسن در این نوع از احادیث، به هیچ روی بعید نیست بویژه آن که افراد مختلف، این نوع از احادیث را به چند شکل نقل کرده‌اند، با آن که احتمال عکس این حدیث؛ یعنی از فرزندان امام حسین علیه السلام بودن مهدی موعود (عج) نیز بسیار قوی است؛ زیرا روایت ابو داود و شبیه آن، «خبر واحد» است و با روایات متواتری که حضرت مهدی (عج) را از فرزندان امام حسین علیه السلام معرفی کرده است، نمی‌تواند معارضه کند.

۷- توجیه و تفسیر این روایات به گونه‌ای که با روایات ابن الحسین بودن مهدی علیه السلام تعارض نداشته باشد نیز صحیح است. توضیح آن که: با فرض صحت سه حدیث مذکور - علی رغم همه مشکلات پیش گفته - باز هم این حدیث با روایات متواتر ابن الحسین بودن مهدی موعود تعارضی نخواهد داشت و مانعی بر سر راه آنها ایجاد نخواهد کرد؛ زیرا می‌توان میان این دو دسته روایات به این صورت، جمع کرد که امام مهدی (عج) حسینی الأب و حسنی الأم است؛ چون همسر امام

۱ - سید صدر الدین صدر، المهدی، ص ۶۸

۲ - سید ثامر العمیدی، پیشین، صص ۱۰۶-۱۰۵.

۳ - ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، صص ۱۶۵-۱۶۴.

۴ - سید ثامر العمیدی، پیشین، ص ۱۰۸.

سجاده علیه السلام یعنی مادر امام باقر علیه السلام فاطمه بنت الحسن - دختر امام مجتبی علیه السلام بوده است. بنابراین، امام باقر علیه السلام حسینی الأب و حسنی الأم بوده و فرزندان ایشان نیز همگی ذریه سبطین محسوب می‌شوند. به همین جهت، روایاتی که دلالت دارند بر این که مهدی علیه السلام از سبطین است با حسین الأب بودن حضرت مهدی علیه السلام ناسازگاری ندارد.

مؤید جمع پیش گفته، این آیات قرآن مجید است:

«و هبنا له اسحق کلاً هدینا و نوحاً هدینا من قبل و من ذریته داود و سلیمان... و عیسی و الیاس کلٌ من الصالحین».^۱

یعنی: و به او [ابراهیم] اسحاق را بخشیدیم و هر دو را هدایت کردیم و نوح را از قبل [از آن زمان] هدایت کردیم و از نسل اوست داوود و سلیمان... و عیسی و الیاس که همه از درستکارانند. در این آیات، حضرت عیسی علیه السلام از طرف مادرش مریم علیه السلام به فرزندان انبیا ملحق گشته است. پس اشکالی نخواهد داشت که فرزندان امام باقر علیه السلام از طرف مادر به امام حسن مجتبی علیه السلام منتسب گردند.

با فرض صحت سه حدیث یاد شده، چاره‌ای جز این جمع نخواهیم داشت، و این مسأله خدشه‌ای نسبت به اخذ روایات متواتر در نسب حضرت مهدی علیه السلام (که از نسل امام حسین علیه السلام است) وارد نخواهد ساخت.

پس، روشن شد که احتمال دوم - یعنی ابن الحسین بودن مهدی موعود علیه السلام - در حقیقت صرف یک احتمال نیست، بلکه عین واقعیت است، خواه «ابن الحسن بودن» ایشان را بپذیریم یا نپذیریم لیکن بر فرض پذیرش آن، نه تنها در مسیر انتساب حضرتش به امام حسین علیه السلام اشکالی ایجاد نمی‌شود، بلکه از یک نظر آن را تأیید نیز می‌کند و اما اگر به جهت وجود اشکالات نامبرده آن را نپذیریم، آنگاه مسأله کاملاً واضح خواهد بود؛ چون اثبات بطلان یکی از دو احتمال، به تنهایی دلیل خدشه‌ناپذیری بر حقانیت و صحت احتمال دیگر است؛ زیرا بر پایه یقین، ابن الفاطمه بودن مهدی علیه السلام ثابت است. بنابراین، هر دو فرض، با هم نمی‌توانند باطل باشند.^۲ (روایاتی که دلالت می‌کرد مهدی علیه السلام از فرزندان امیرمؤمنان و فاطمه علیه السلام است، در بخش اول گذشت.)

